

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Scientific

علمی

نگارش و ترجمه از: محمد هارون خیل شعشی
لندن، ۲۰۱۰ میلادی
۱۱/۰۳/۰۷

مبانی حقوق افتراء و آزادی بیان

۱۳

انصراف مدعی علیه از افتراء وارده

کسی که علیه دیگری دست به افتراء می زند؛ ولی بتواند ثابت سازد، که بدون داشتن اراده مغرضانه دست به چنین عمل زده است، حق دارد از حالت دفاع غیر ارادی یا حالت موسوم به انصراف از افتراء وارده، استفاده نماید. البته، شخص استفاده کننده از این حالت دفاعی (مدعی علیه) باید آماده باشد تا در بیان افتراء آمیزش علیه معترض، تغییر و تعدیل رونما سازد. این گونه تغییر و تعدیل شامل نشر خبر مبنی بر برگشت یا انصراف از موقف گذشته، اظهار معذرت خواهی وی در زمینه و همچنان پرداخت خساره ای می باشد، که توسط قاضی ذیصلاح تعیین می گردد. معذرت خواهی در همچو موارد می تواند یا به طور علنی در پیشگاه محکمه صورت گرفته، که از آن طریق در همه جا گزارش یابد؛ و یا هم در روزنامه ای، به دست نشر سپرده شود. این حالت شباهت به حالاتی دارد، که در برخی فقرات ماده هفتم قانون رسانه های همگانی افغانستان پیشبینی شده است.

به علاوه حالات تبریه کننده کامل، که تحت عنوان امتیاز مطلق، مختصراً مورد بررسی قرار گرفت، حالات دفاعی دیگری نیز وجود دارد، که مسؤولیت مدعی علیه را کلاً از میان نبرده، بلکه باعث تخفیف جبران خساره قابل پرداخت به معترض می گردد. از این رو، چنین حالات دفاعی یا حالات تخفیف کننده را به نام حالات دفاعی قسمی یا جزئی نیز یاد می کنند.

یکی از مهمترین حالات دفاع جزئی در واقع انصراف از بیان افتراء آمیز است. در حقوق تعاملی انصراف از بیان افتراء آمیز را اساساً واجد حالت دفاعی ندانسته؛ مگر آنکه فوراً بعد از وقوع افتراء صورت گرفته؛ و با افتراء وارده چنان ارتباط صریح و ناگستنی داشته باشد، که در نتیجه آن بیان افتراء آمیز به کلی نفی گردد. هرگاه انصراف از اتهام وارده وقت زیادی در برگیرد، که ضمن آن کلمات افتراء آمیز میان مردم شیوع بیشتری یافته؛ و تأثیرات منفی از خود به جا گذارد، در آن صورت محاکم از پذیرفتن این امر اجتناب خواهد ورزید، که واپس گرفتن اتهام، به یقین می تواند نقصان وارده را جبران نماید. به عبارت دیگر انصراف از اتهام وارده در صورت پخش بیانات افتراء آمیز، هیچ دردی را دوا نمی کند.

معهدا، ارائه ثبوت مبنی بر انصراف از اتهام وارده در سه مقصد آتی قابل پذیرش خواهد بود.

اول این که مدارک انصراف ممکن نشان دهد، که معترض نسبت به آنچه در باره خساره واقعی به شهرت و اعتبار خود ادعا کرده، کمتر نقصان دیده است؛ دوم این که شاید چنین انصراف متمایل به انتقای «غرض» یا رفتار نفرت انگیزی باشد، که در حقیقت اساس جبران خساره را تشکیل می دهد؛ و بالاخره وقتی وجود امتیازی مورد سؤال باشد، انصراف از اتهام وارده، ظاهراً نمایانگر حسن نیت و انگیزه های موجه مدعی علیه خواهد بود؛ و هیأت منصفه بر مبنای آن نتیجه خواهد گرفت، که امتیاز متذکره، مورد سوء استفاده قرار نگرفته است. از همین جهت، امتناع مدعی علیه از واپس گرفتن اتهام وارده، هنگام مطالبه، به عنوان ثبوت سوء نیت او علیه معترض و پیشبرد هدف نادرست در نشریه یابیان افتراء آمیز، تلقی می شود (پروسر ۷۹۹ - ۸۰۰).

اگر انگیزه های مدعی علیه مورد سؤال بوده، در آن صورت هر سند و مدرک مورد قبول قرار خواهد گرفت، به شرطی که نشان دهد، وی اکنون در باره نشر افتراء وارده در یک حالت فکری متفاوتی قرار دارد؛ اما این گونه انصراف فقط زمانی می تواند موثریت داشته باشد، که خصوصیت کامل و فسخ ناپذیر داشته ؛ و متضمن اشارات احتمالی، خروج فرضی، اندیشه های متذبذب یا افتضاحات پنهانی و کنائی نباشد. سخن کوتاه، عمل انصراف باید کوشش صادقانه جهت ترمیم همه خطاهائی باشد، که توسط اتهام وارده به عمل آمده است؛ در غیر آن نه تنها باعث تخفیف جبران خساره نشده، بلکه جرم اصلی را شدت خواهد بخشید؛ به طور مثال بیان افتراء آمیزی که در آن گفته می شود «معترض خوی و خصلت خوک نداشته» اصولاً با تغییر و تبدیل آن به این گونه تصحیح نخواهد شد، هرگاه گفته شود: «معترض خوی و خصلت خوک دارد.» چه مفهوم افتراء آمیز در جمله به اصطلاح ترمیم شده، به مراتب رساتر و قویتر جلوه می نماید. به این ترتیب، انصراف از افتراء باید همواره به صورت عام از عین وسعت و برجستگی برخوردار باشد، که در متن یا بیان افتراء وارده به ملاحظه رسیده است.

پیشنهاد برای عذرخواهی عامه یا انصراف از اتهام وارده، جبران خساره را تخفیف خواهد بخشید؛ ولی پیشنهاد مدعی علیه دایر بر پخش بیانی که نشان دهنده خواهش و تأکید معترض بوده نه اراده شخصی او، اصولاً پیشنهاد انصراف از افتراء پنداشته نمی شود. بدین معنا که مدعی علیه باید در پیشنهاد عذرخواهی عامه یا انصراف از اتهام وارده همیشه بر نکوهش عمل خود تأکید نموده، نه اینکه بدون ندامت از عمل ناپسندیده خود، محض اظهار دارد: «صرف به خاطر خوشی و رضایت معترض، مجبور به این عذرخواهی یا انصراف شده ام.» در همچو حالات، چنان که به وضوح مشاهده می گردد، مدعی علیه از عمل افتراء آمیز خود صادقانه نادم نبوده؛ ازین رو نمی خواهد بر بطلان و نادرستی آن آشکارا اعتراف نماید (پروسر ۸۰۱).

از آن جا که معترض خواستار جبران لطمه وارده به شهرت و اعتبار خود بوده، لذا پیشکش نمودن ثبوتی از جانب مدعی علیه مبنی بر این که معترض قبلاً هم از شهرت و اعتبار خوبی برخوردار نبوده، با توجه با ارزش آنچه صدمه دیده، در تخفیف جبران خساره، قابل پذیرش پنداشته می شود. به همین روال، دلیل مدعی علیه در باره اینکه او کلمات افتراء آمیزش را در اوج احساسات و هیجاناتی اظهار داشته، که در حقیقت از رفتار نادرست معترض نسبت به اונشأت گرفته، نیز می تواند مورد پذیرش قرار گیرد. شمار زیادی از محاکم را اعتقاد بر آنست، که ارائه ثبوت مبنی بر نفی «غرض» در مسایل مربوط به جبران خساره، فقط در مواردی توسط هیأت منصفه مورد بررسی قرار خواهد گرفت، که مدعی علیه در اثر سوء نیت و ادار به ارتکاب آن نشده باشد (پروسر ۸۰۱).

تکلیف اثبات امتیاز در پیشگاه محکمه یا هیأت منصفه

تکلیف اثبات در اول وهله به دوش مدعی علیه قرار داشته تا با عنوان کردن منفعت شناخته شده عامه یا خصوصی در قبال نشریه یا بیان افتراء آمیز، موجودیت مناسبت خاصی را ثابت سازد، که اظهار کلمات افتراء آمیز در آن را توجیه نماید. اینکه مناسبت مورد تمسک به وسیله مدعی علیه واقعاً از زمره حالات شناخته شده امتیاز بوده یا خیر، خود سؤالیست که به حیث یک مسأله قانونی باید توسط محکمه ذیصلاح حل و فصل گردد؛ مگر آنکه در میان واقعیت ها تنازع به وجود آمده، که در آن صورت هیأت منصفه هدایت خواهد یافت تا قواعد درست درین زمینه را به منصه اجراء بگذارد.

مدامی که وجود امتیاز مصونیت در یک قضیه توسط مدعی علیه به اثبات رسید، آنگاه بر معترض است تا در پیشگاه محکمه ثابت سازد، که مدعی علیه در امتیاز تمسک شده خود از حدود و ثغور مقرر آن، تجاوز کرده است یا نشان دهد که از مناسبت استناد شده به وسیله مدعی علیه اصولاً برای مقصد نادرستی استفاده به عمل آمده است یا ثابت نماید که مدعی علیه بر آنچه تمسک ورزیده، اساساً اعتقاد یا دلیل برای اعتقاد نداشته است؛ مگر آنکه از ثبوت ارائه شده صرف نتیجه واحدی را استنباط کرد، که در آن صورت طبعاً ضرورت اثبات حقیقت دیگری وجود نخواهد داشت.

تشخیص این مسأله که امتیاز تمسک شده در قضیه مورد بحث، واقعاً مورد سوءاستفاده مدعی علیه قرار گرفته یا خیر، منوط به صواب دید هیأت منصفه می باشد. بدون شک، ابهام قواعد مربوط به منفعت عامه یا خصوصی درخور حراست و تشخیص منصفانه بودن یا غیر جانبدارانه بودن تبصره یا انتقاد در قضایای سوءاستفاده از امتیاز، محاکم را در امر دستیابی به درجه ای از انعطاف پذیری یاری رسانده؛ و اجازه می دهد تا مسایل مطروحه درین زمینه مطابق اقتضات خاص یک قضیه یا توسط خود محکمه حل و فصل شده و یا غرض حل و فصل به هیأت منصفه محول گردد (پروسر ۷۹۶).

مآخذ و منابع

Allen, Michael. Textbook on Criminal Law. 9th ed. Oxford University Press, 2007.

Ball K. M., Nicholas W. J., Imugen Burton, Christy Lawrence, L. J. Davies. et el. Ed. Prof. David. W. Williams. Know Your Rights. London: Reader's Digest Association Far East Limited, 1997.

Feldman, David. Civil Liberties & Human Rights in England & Wales. Oxford: Oxford University Press, 1993.

Gifis, Steven H. Law Dictionary. New York, 1992.

Prosser, William. L. Law of Torts. 4thed. Hornbook Series. Minnesota: West Publishing Co., 1971.

Robertson, Geoffrey & Andrew G.L. Nicol. Media Law: The Rights of Journalists, Broadcasters and Publishers. 1st ed. London: SAGE Publications, 1985.

Smith, John, Sir & Brian Hogan. Criminal Law. 8thed. London: Butterworths, 1996.

Dictionary of Legal Terms. London: Brockhampton, 1997.

Web based references:

Afghan campaign caused \$100 million damage: inquiry
www.reuters.com/article/idUSTRE70A3B620110111

International Covenant on Civil and Political Rights 1966
[//www.ohchr.org/en/udhr/pages/introduction.aspx](http://www.ohchr.org/en/udhr/pages/introduction.aspx)

International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights 1966
<http://www.ohchr.org/en/udhr/pages/introduction.aspx>

Star Chamber
http://en.wikipedia.org/wiki/Star_Chamber

The European Convention on Human Rights
<http://www.hri.org/docs/ECHR50.html#C.Art10>

Universal Declaration of Human Rights
<http://www.un.org/en/documents/udhr/>

دهخدا، علی اکبر. لغت نامه. تهران : دانشگاه ملی تهران، ۱۳۳۱ .

عمید، حسن . فرهنگ عمید. ۳ج.، چاپ دوم، تهران : امیر کبیر، ۱۳۶۵ .

(قانون اساسی افغانستان ، ۱۳۸۲) .

(قانون جزای افغانستان ، ۱۳۵۵) .

(قانون رسانه های همگانی، ۱۳۸۸) .

(قانون مطبوعات، ۱۳۴۴).

معین، محمد، دکتر. فرهنگ فارسی. ۶ ج. تهران : امیر کبیر، ۱۳۶۳.